

## برنامه تازه و فراگیر بنیاد توس در تجلیل از بلند پایگان قلمرو موسیقی در لندن



بنیاد فرهنگی توس در لندن برنامه دیگری از مجموعه برنامه های فرهنگی خود را در روز یکشنبه ۲۹ نوامبر در لوگان هال به اجرا گذاشت این برنامه که اختصاص داشت به مروری در تاریخ پیدایش موسیقی کلاسیک ایران و همچنین تاثیرپذیری موسیقیدانهای ایرانی از موسیقی غرب به بزرگداشت نام و کار دو شخصیت نامدار موسیقی معاصر: اولین باغچه بان و استاد حسین دهلوی و من چه به وجد آدمم وقتی دیدم از این دو موسیقیدان پر آوازه تجلیل به عمل می آید دو نامداری که به راستی شایسته تجلیل و تکریم هم هستند و تا به حال حق آنها داده نشده بود.

من حدود نیم قرن است که با اولین و همسر نازنینش ثمین باغچه بان دوستی نزدیک داشته ام. اولین و ثمین در میدان کلانتری یوسف آباد خانه مصفایی داشتند که پاتوق بسیاری از بلند پایگان فرهنگ و هنر بود و من با بسیاری از آنها در همین خانه که به قول مولانا «بام و در آن بیت و ترانه بود چنگ و چغانه» آشنایی یافتیم و در تمامی

آوردند، داستان نویسی قصه تازه- اش را می خواند و احمد شاملو شعر تازه ای را که سروده بود، همینطور سیاوش کسرایی آخرین

این سالها «اولین» برای من بانوی احترام برانگیزی بود. شور و هیجانی داشت او و ثمین در جمع دوستان، آنها را به پرواز در می-



ادامه داد و ثمین شوربختانه در همان استانبول درگذشت. اولین ماند و بچه ها که هر کدام به ویژه کاوه، راه پدر را دنبال کردند. کاوه که ترانه دل انگیزی خوانده بود و فیلم زیبایی برای آن تدارک دیده بود به لوس آنجلس آمد که شاید بتواند شرکت تهیه نواری را به تهیه سی دی برانگیزد که کار خوب در اینجا کمتر خریدار دارد تا آنجا که حتی سفارش من هم اثربخش نبود حال آنکه وقتی من ترانه کاوه را از تلویزیون ارائه دادم با استقبال دوستاناران بسیار خود روبرو شد.

بعد از درگذشت ثمین، طبیعی بود که اولین تنها بماند و من هربار به

ثمین باغچه بان «رنکین کمان» به اروپا برد... او که در کنسرواتوار ترکیه با ثمین همراه بود ازدواج کرد و به ایران رفت و به راستی هم به ایران عشق می ورزید، در رشته آواز و پیانو فارغ التحصیل شده بود اما مطالعات گسترده ای در این دو رشته کسب کرد و تجربه ها اندوخت و چه با توانایی و مهارت تدریس کرد هنر جوانان بسیاری ترتیب کرد که از آن جمله اند حسین سرشار، سودابه تاجبخش، پری ثمر، ادنا داویدیان که شهرت و آوازه بسیار یافته اند.

او و ثمین و بچه ها بعد از سال ۵۷ از ایران به ترکیه رفتند. ثمین به ساختن و نوشتن و بیشتر نوشتن

سروده اش، سیروس طاهباز که مجله آرش را با شور و شوق چاپ و نشر می کرد از مجله می گفت و از همکاران تازه اش. در همان جمع بود که همه مان از برنامه کار اولین آگاهی یافتیم. او ماموریت یافته بود که برای «جمعیت خیریه شهبانو فرح» دسته کوی تشکیل دهد و شگفتا که اولین میخواست این دسته کر را از «بچه های یتیم» نه فقط تهران که از شهرستان ها هم انتخاب کند و کرد... از اینجا و آنجای ایران، بچه ها را تعلیم داد و شهرستانی ها را به تهران آورد و اونیفورم پوشاند... و یک دسته کر آماده و مجهز ترتیب کرد که حتی آنها را برای ضبط کر اثر ماندگار



که امکان داشت به روی صحنه آورد.  
 نه فقط «اولین» کار بزرگ جمیل بانوی خرازی را تحسین می کند که فنونش بهزاد آهنگساز و رهبر برجسته ارکستر نیز تحسین کننده اوست: « سالهای دراز است که شاهد علاقه و فعالیت های فرهنگی - هنری خانم جمیله خرازی بنیانگذار بنیاد توس هستیم و همینطور در برنامه های بزرگ سالانه این بنیاد حضور داشتیم و شاهد علاقه و پافشاری شان برای معرفی هنرمندان و آثارشان بوده - ام مسئله مهم دیگری که برای من بنیاد توس را از بقیه دست اندرکاران فرهنگی متمایز می کند نگرش مردمی این بنیاد است که طیف وسیعی از ایرانیان را مد نظر دارد از من خواسته شد که رهبری

تأثیرگذار گفته است «اولین» که: «فرهنگ و هنر یک ملت عامل بزرگی است که انسان، انسانیت و ملیت خود را پایدار کند و این عامل به علت نیروی جنگیدن و به زیبایی و مهر رسیدن میدهد».  
 «اولین» از کار کارساز بنیاد توس می گوید و این که: خدمت بنیادهایی مثل توس را تقدیس میکنم و آرزو دارم که این خدمات را یک وظیفه انسانی و ملی بدانند و با این هدف آثار آهنگسازان بین المللی ایران را به دنیا بشناسانند برنامه های فولکلوریک موسیقی و آواز و رقص در زمینه موسیقی سنتی شناساندن سازهای سنتی ایران زیر نظر استادان فن، موسیقی کلاسیک بین المللی ایران را با ارکستر و اپرا و باله تا جایی

او می اندیشیدم فکر می کردم او بعد از سالهای سال همراهی و همدلی با ثمین، بی او چه می کند؟ ...ما چرا از او یادی نمی کنیم برای او که این همه نقش ساز بوده است؟ و وقتی خواندم که جمیله بانوی خرازی مجلسی برای نكوداشت نام و کار او تدارک دیده است به وجد آمدم تا آنجا که دلم می خواهد در مقابل این بانوی گرامی با تمام قامت بایستم و به احترام کلاه از سر بگیرم. زیرا هم اوست که سبب شده است تا بار دیگر زندگینامه «اولین» این هنرمند بزرگ گشوده شود و نسل جوان - به ویژه - با بانویی هنرمند و کارنامه فعالیت های او آشنائی یابد. بانویی که یک نسل هنرمند در قلمرو آواز تربیت و نام ایران را بلند آوازه کرد و چه زیبا و

ارکستر اختصاصی این برنامه را بدون هیچ محدودیت و همچنین با تأیید روی هنری - فرهنگی بودن اجرای این برنامه بگیرم و من با خوشحالی پذیرفتم.

این ارکستر از نوازندگان چیره دست اروپائی انتخاب شده اند و تعداد زیادی از اعضای آن در کنسرت های شرق و غرب که من رهبری آنها را بر عهده داشتم با من همکاری نزدیک داشته اند و فروش بهزاد چه کارنامه درخشانی دارد: او تحصیلات موسیقی خود را در حوزه موسیقی غربی و همچنین موسیقی شرقی به ویژه ادبیات ارکستری ایرانی به انجام رسانده و اجرای موسیقی ارکستری ایرانی را نقطه عطف فعالیت های خود قرار داده و با اجرای موسیقی شرقی و غربی با آثار آهنگسازان برجسته خاصه آهنگسازان ایرانی راه را به روی شناخت موسیقی جهانی و شناخت پیوندهای فرهنگی باز و هموار کرد است در شب بنیاد توس اثر ماندگار « بومی وار» از ثمین باغچه بان و اثری از استاد حسین دهلوی اجرا شد با نوازندگان برجسته و سولوی سنتور با حمید راستی و تصویرهای ایرانی اثری از حشمت سنجری - زنده نام - و سوئیت «آارات» اثر لوریس چکناوریان و همینطور قطعه های آواز محلی ایرانی و ترانه های

غربی با پری ثمر و ماریو تقدسی دو خواننده پرآوازه اجرا شده است. سنجری موسیقیدان برجسته ای بود که در هویت بخشیدن علمی به موسیقی ایرانی نقش و سهم کارسازی داشته است و آنگونه که بود و آثار ماندنی و برجسته ای که ناشناخته مانده است برای اجرای هر اثری از او که در غنی کردن گنجینه موسیقی ما تاثیر گذار بوده است خدمتتست به فرهنگ موسیقی معاصر.

گفتم که پری ثمر در برنامه نوامبر بنیاد توس آواز خوانده است پری ثمر از هنرجویان اولین باغچه بان بود و استعدادش توسط او شناخته شد که به تعلیم و تربیت او همت گماشت و او را که از سالهای کودکی علاقه به نواختن ویلن و خواندن داشته است به خواندن برانگیخت. تحصیلاتش را در هنرستان عالی موسیقی تهران به پایان برد با رتبه شاگرد اول در رشته آواز. وی برای ادامه تحصیلات به آکادمی آواز وین رفت و هفت سال دوره هنرستان را در فوق لیسانس دانشگاه در پنج سال با رتبه شاگرد اول دانشگاه به پایان رسانید آنهم زیر نظر استادان بزرگی چون پرفسور کریستین مولر و پروفیسور اریک وربا طرفه این که او در دوره دانشجویی بارها بر صحنه اپرای ملی وین برنامه اجرا

کرد و به استخدام اپرای ملی وین در آمد و بعد از دو سال اپرای فرانکفورت او را به استخدام خود در آورد که به مدت سی سال توانست مقام ستاره اول این اپرا خانه را برای خود حفظ کند. وی در بیش از شانزده اپرای بزرگ جهان و با بیش از صد و بیست آهنگساز برجسته و پرآوازه جهانی به عنوان خواننده با نقش اول همکاری کرده است که از جمله آثار معروفی که او نقش نخستش را عهده دار بود باید از اپرای کارمن اثر ژرژ بیزه و آرایشگر شهر سویل اثر روسینی یاد کرد که این دو را بیش از چهارصد بار اجرا کرده است.